

پژوهشهای حقوقی

شماره ۲۱

هزار و سیصد و نود و یک - نیمسال اول

- مجوزهای اجباری ابزاری رقابتی در برابر انحصار حقوق مالکیت فکری
محمود باقری - سیمین عباسی
- بررسی و تحلیل زبان علم حقوق ایران در پرتو زبان‌های علمی مدرن
حسین سیمایی صراف - حامد ملکشاهی
- «دارا شدن من غیر حق» در حقوق ایران در پرتو کنوانسیون سازمان ملل متحد
برای مبارزه با فساد مالی
سید منصور میر سعیدی - حجت تجارزاده اهری
- دستاوردهای جدید قانون داورى انگلستان در مقایسه با قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران
حمیدرضا علیخانی - سعید عباسی
- حق بر دادرسی منصفانه در مرحله تحقیقات مقدماتی در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر
نقیسه بهرامی
- حرکت به سوی قاعده‌سازی و انگاره‌های معاصر: رویه قضایی در آئینه
دیوان بین‌المللی دادگستری
امیر ارسلان رسول‌پور - عبدالله عابدینی
- اجرای احکام محکومیت جزای نقدی در حقوق کیفری ایران و انگلستان
مریم همتی
- مروری کوتاه بر پرونده رادوان کارادزیچ: قصاب بالکان
هیبت‌الله نژندی منش





حق بر دادرسی منصفانه در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادگاه اروپایی حقوق بشر
مجله پژوهشهای حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۲۱، نیمسال اول ۱۳۹۱
صفحات ۱۱۵ الی ۱۳۲، تاریخ وصول: ۱۳۸۸/۶/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۰/۵

حق بر دادرسی منصفانه در مرحله تحقیقات مقدماتی در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر

نفیسه بهرامی*

چکیده: با تصویب کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در سال ۱۹۵۰ و با بررسی برخی آراء صادره توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر، نقش محوری و بنیادین این حقوق در مرحله تحقیقات مقدماتی به اثبات رسیده است. اصل برائت در ارتباطی تنگاتنگ با اصل استقلال و بی‌طرفی قرار دارد که نقض هر کدام از این اصول، نقض دیگری را به همراه خواهد داشت. در صورت آزادی متهم در برقراری ارتباط با وکیل خود، مقدمات تهیه دفاعیه فراهم خواهد شد. حق مساعدت زبانی یا برخورداری از مترجم سومین حقی است که مبین برگزاری یک دادرسی به معنای صحیح حتی در رسیدگی‌های غیابی است. همچنین حق آگاهی فوری و دقیق متهم از علت و ماهیت اتهام به زبانی که قابل درک باشد از دیگر لوازم یک رسیدگی عادلانه است. باید خاطر نشان کرد که مدت زمان لازم جهت فراهم کردن مقدمات دفاع در هر پرونده متفاوت است. حق آزادی متهم تا زمان محاکمه اصل دیگری است که کنوانسیون مزبور این حق را مطلق می‌داند. فی‌الجمله، در صورت رعایت حقوق مربوط به رسیدگی منصفانه در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک رسیدگی عادلانه دور از انتظار نیست.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر، محاکمه عادلانه، تحقیقات مقدماتی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دادگاه اروپایی حقوق بشر

مقدمه

در کلیه اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای با موضوع حقوق بشر بر حق برخورداری همه انسان‌ها از حقوق و آزادی‌های اساسی تأکید شده است و حمایت و ضمانت از این حقوق، از وظایف دولت‌ها دانسته شده است. از آنجا که شروع رسیدگی و محاکمه متهم از مرحله تحقیقات مقدماتی است، و از طرف دیگر رعایت حقوق و تضمین‌های یک رسیدگی منصفانه در این مرحله، در براءت یا محکومیت متهم نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، ضروری است تا با شناسایی این حقوق، موجبات یک رسیدگی منصفانه را فراهم کرد. اما اختلاف نظرهایی که وجود دارد مربوط به چگونگی روند محاکمه است و به نظر می‌رسد که بهترین دادرسی، آن محاکمه‌ای است که در آن هم حقوق متهم، هم قربانی و هم جامعه رعایت گردد.

آنچه که در این پژوهش مورد تأکید و تحقیق قرار گرفته است، اصول و موازین و استانداردهایی است که از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر به عنوان نهاد قضایی شورای اروپا برای تحقق یک محاکمه عادلانه رعایت می‌شود. لذا برای انعکاس و درک بهتر این اصول از رویه‌های قضایی و تفسیرهای دادگاه مزبور نیز استفاده شده است.

توضیح این نکته بی‌فایده نخواهد بود که رویکرد اخیر جامعه بین‌المللی به مسأله امنیت جمعی در قبال حقوق فردی، حدود و ثغور دادرسی منصفانه که قبلاً در حال تثبیت بود را با چالش جدیدی مواجه کرده است. در این تحقیق بنا بر این است که رویکرد و نگاه جدید و اثر آن بر دادرسی منصفانه مورد بررسی قرار گیرد.

حقوق مربوط به دادرسی منصفانه از دیدگاه‌های متفاوتی مورد دسته‌بندی قرار گرفته است. برخی معتقدند که این حقوق را می‌توان به این سه دوره تفکیک کرد: ۱- حقوق مربوط به زمان قبل از محاکمه؛ ۲- حقوق مربوط به دوران محاکمه؛ و ۳- حقوق مربوط به دوران پس از محاکمه. اما به نظر می‌رسد که این تقسیم‌بندی منطقی نباشد؛ چرا که برخی حقوق، مشترک هستند و صرفاً مخصوص دوران محاکمه نیستند. مثل اصل براءت و حق داشتن وکیل که در هر سه مرحله باید مد نظر قرار گیرند. اما برخی از این حقوق مختص هر کدام از مراحل تحقیقات مقدماتی و مرحله دادرسی و صدور حکم هستند. در این مقاله سعی می‌شود که به طور اختصاصی اصول مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی بررسی شود.

مبحث اول: اصل براءت

در جهان امروز اصل براءت را می‌توان در تمام نظام‌های حقوقی مشاهده کرد و یکی از

اصول و قواعد بنیادین کیفری است که از حقوق افراد در مقابل اعمال قدرت دولت حمایت می‌کند. اصل برائت با اصل استقلال و بی‌طرفی مرتبط بوده و با نادیده گرفته شدن اصل استقلال و بی‌طرفی، اصل برائت هم نقض خواهد شد. به دلیل اینکه این اصل از مهم‌ترین اصول یک دادرسی منصفانه است، می‌توان آن را در تمام اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای مشاهده کرد. به گونه‌ای که در قوانین اساسی کشورها هم این اصل گنجانده شده است.

بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر این موضوع را بیان کرده است.^۱ برای اصل برائت می‌توان دو مفهوم موسع و مضیق در نظر گرفت. در مفهوم مضیق، اصل برائت متضمن این معناست که بار اثبات جرم به عهده دادستان است. این وظیفه دادستان است که اثبات کند متهم، مجرم است. در معنای موسع، اصل برائت بدین معناست که هرگونه شک و تردید، به نفع متهم تفسیر می‌شود.

با مطالعه و بررسی محاکمات کیفری بین‌المللی این نتیجه حاصل می‌شود که اکثر این محاکم معنای موسع را مد نظر داشته‌اند و خواسته‌اند تا بدین صورت حد بالای استانداردهای تعیین شده جهت تأمین و تضمین حقوق متهم را مراعات نمایند. دلیل در نظر گرفتن فرض بیگناهی برای متهم، بدیهی بودن آن در مورد غیرمتهمان دانسته شده است.^۲ نکته قابل ذکر دیگر اینکه در راستای اجرای فرضیه بیگناهی و وظیفه دادستان برای اثبات مجرمیت متهم یکی از آثار اصل برائت، مربوط به راه‌های کسب دلیل است. یعنی تحصیل دلیل باید بر طبق شیوه‌های صحیح قانونی و اصول و ضوابط حاکم صورت پذیرد. در صورتی که دادستان نتواند مدارکی مبنی بر مجرمیت متهم ارائه دهد، اتهامات رد می‌شود. اگر فردی مرتکب جرایم متعددی شده باشد، به دلیل ارتکاب جرایم قبلی نمی‌توان اصل برائت را در مورد او نادیده گرفت. زیرا هر قدر هم متهم دارای سوابق کیفری باشد، این امکان وجود دارد که او جرم جدید را مرتکب نشده باشد. تنها اثر سوابق کیفری، در تشدید مجازات یا تبدیل نوع و درجه مجازات است؛ لذا دادستان نمی‌تواند به بهانه سوء پیشینه متهم از انجام اقدامات لازم برای کسب دلایل کافی در مورد جرم جدید خودداری نماید.

۱. بند ۲ ماده ۶ چنین اشعار می‌دارد: «هر کس که به جرم کیفری متهم می‌شود تا زمانی که مجرم بودن او طبق قانون به اثبات نرسیده است، باید بیگناه فرض شود.»

۲. مصطفی فضائی، دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷، ص ۲۹۶.

چنین موضوعی در رأی صادره دادگاه اروپایی مشهود است.^۳ در این پرونده دادگاه استیناف داخلی، دلایل اکتسابی دادستان و گزارش‌های غلط دادگاه بخش را مستمسک قرار داده بود. در دادگاه بخش، رأی به نفع متهمان صادر شده بود؛ اما متعاقباً دادگاه استیناف رأی را فسخ کرده بود و متهمان را به جرم قاچاق مواد مخدر محکوم کرده بود. در این قضیه، دادستان به وسیله پلیس مخفی اقدام به تنظیم یک قرارداد خرید و فروش مواد مخدر کرده بود و از این طریق در صدد بود تا مدارکی را مبنی بر مشارکت متهمان در کار قاچاق به دست بیاورد. با شکایت محکومان به دادگاه اروپایی حقوق بشر، دادگاه تأکید کرد که پلیس و دادستان از تکنیک اغفال و فریب برای کسب دلیل استفاده کرده‌اند و این در حالی است که وظیفه دادگاه داخلی تضمین حقوق دفاعی متهمان است. دادگاه اروپایی چنین نظر داد که اقدامات انجام شده از سوی پلیس، فراتر از یک تحقیق جنایی بوده و آن‌ها موجب تحریک متهمان به ارتکاب چنین جرمی شده‌اند. در واقع دادگاه اروپایی نشان داد که سابق متهمان در ارتکاب جرم جدید را مد نظر قرار نداده است زیرا اگر پیشنهاد پلیس مخفی وجود نداشت، هیچ‌کدام از این اتفاقات رخ نمی‌داد. در نهایت دادگاه اروپایی ابراز داشت که اغوا و تحریک از سوی مأموران پلیس برای ارتکاب جرم موجب نقض فرضیه بیگناهی و بند ۲ ماده ۶ شده است.

لازم به ذکر است که اصل حکمی برائت با اصل موضوعی آن تفاوت دارد. اصل موضوعی بر وضعیت شخص دلالت دارد. اصل بر آن است که متهم باید بیگناه فرض شود مگر آنکه خلاف آن اثبات شود و راه‌های اثبات آن صرفاً از طرق قانونی امکان‌پذیر خواهد بود. اصل حکمی برائت به مقام تقنین برمی‌گردد. ریشه اصل برائت را باید در قاعده قبح عقاب بلابیان یا اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها جست‌وجو کرد. در واقع اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و فرضیه بیگناهی تضمیناتی هستند که از آزادی و امنیت فرد در مقابل مقام تعقیب و مقام قضا حمایت می‌کنند.^۴

دادگاه اروپایی حقوق بشر بر این باور است که حتی مجبور کردن متهمان به حضور در دادگاه با لباس مخصوص زندانیان از مصادیق نقض اصل برائت محسوب می‌شود. دادگاه استیناف رومانی متهمان را وادار به چنین کاری کرده بود. همچنین دادگاه رومانی اقدام به بازداشت موقت آن‌ها کرده و این در حالی بود که این متهمان حق هیچ‌گونه اعتراض به این

3. Constantin and Stoian v. Romania, 29 September 2010.

۴، سیدمحمد قاری‌سیدفاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حقوق و

آزادی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۶، صص ۲۲۹ و ۲۳۰.

بازداشت غیرقانونی را نداشتند. در نتیجه شکایت آن دو به دادگاه اروپایی حقوق بشر، دادگاه چنین نتیجه گرفت که انجام این اقدامات، موجب نقض فرضیه بیگناهی در مورد این دو متهم شده است.^۵ ذکر این نکته ضروری است که بیان مطالبی از طریق رسانه‌ها و مطبوعات، ممکن است تفکر ارتکاب اقدامات اتهامی را القا کند و چنین موضوعی می‌تواند در رأی دادگاه تأثیرگذار باشد. در پی آمد چنین طرز تفکری ممکن است فرضیه بیگناهی نادیده گرفته شود.^۶ فرضیه بیگناهی با حق سکوت دارای ارتباط است. شروع اعمال حق سکوت از مرحله تحقیقات مقدماتی است و احتمال نقض آن از سوی مراجع غیرقضایی و حتی رسانه‌ها هم وجود دارد. حق سکوت در دوران بازجویی پلیس و در دوران محاکمه با دو مفهوم حق فرض بیگناهی و حق عدم اجبار به اقرار یا به شهادت به گناه می‌باشد. اگر بخواهیم از سکوت متهم علیه او استفاده کنیم، این نقض اصل براءت است. اما باید گفت این عقیده دادگاه اروپایی مطلق نیست، چرا که در صورت سکوت متهم باید تمام شرایط پرونده را مورد بررسی قرار داد.^۷

دادگاه اروپایی چنین نظر داده است که اعلام نتایج یک پرونده به وسیله مطبوعات ممنوع است. اما اطلاع‌رسانی به مردم در مورد روند تحقیقات کیفری، مبنی بر دستگیری متهم یا اقرار او، به منزله نقض فرضیه براءت نیست. البته به شرطی که در این اطلاع‌رسانی نامی از مجرم بودن متهم برده نشده باشد.^۸

در قضیه دیگری مشخص شد که^۹ مطالبی از طریق تلویزیون پخش شده، در طرز تلقی دادگاه در مورد مجرم بودن متهم تأثیر داشته و در نتیجه هم دادگاه بدوی و هم تجدیدنظر فرضیه براءت را در مورد متهم نادیده گرفتند. این پیش‌داوری در برنامه تلویزیون در شرایطی صورت گرفته که در آن زمان هنوز در خصوص براءت یا اتهام متهم هیچ‌گونه تصمیم‌گیری نشده بود و این‌گونه این برنامه در رأی دادگاه، مبنی بر مجرمیت متهم نقش مهمی را ایفا کرده است، چرا که در صورت سکوت متهم، باید تمام شرایط پرونده را مورد بررسی قرار داد.^{۱۰}

مبحث دوم: حق برخورداری از وکیل

حضور وکیل در جلسه دادرسی و دفاع از متهم دارای پیشینه طولانی است. اما میان

5. *Samoila and Cionca v. Romania*, 4 March 2008.

6. *Diamantides v. Greece* (no. 2), 19 May 2005.

7. *Murray v. the United Kingdom*, 8 February 1996.

8. *Worman v. Austria*, 29 August 1997.

9. *Diamantides v. Greece* (no. 2), 19 May 2005.

10. *Murray v. the United Kingdom*, 8 February 1996.

صاحب‌نظران در مورد حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی اختلاف نظر وجود داشت.

با گذشت زمان اهمیت انجام یک محاکمه عادلانه بیشتر آشکار شد و وجود وکیل و بهره‌مندی از مشورت او ضروری شد. شرایط به گونه‌ای شد که سری بودن تحقیقات در مرحله تحقیقات مقدماتی، وجاهت خود را از دست داد و قانونگذاران و دادرسان، حضور وکیل را در این مرحله پذیرفتند. البته باید گفت صرف داشتن وکیل برای تحقق یک دادرسی منصفانه شرط ضروری است اما کافی نیست. زیرا باید شرایطی فراهم شود تا متهم بتواند به طور آزادانه با وکیل خود ارتباط داشته و از طرف دیگر بتواند از این طریق مقدمات تهیه دفاعیه را فراهم نماید. این حق در شق ج بند ۳ ماده ۶ پیش‌بینی گردیده است.^{۱۱}

در کنوانسیون اروپایی این حق حالت اطلاق دارد. بنابراین حق برخورداری از وکیل هم در مرحله تحقیقات مقدماتی، هم بازداشت و بازجویی و هم در مرحله دادرسی باید مورد توجه قرار گیرد.

می‌توان این نظر را از رأی دادگاه اروپایی برداشت کرد. در این رأی به لزوم برخورداری وکیل در طول مرحله تحقیقات مقدماتی اشاره شده است. در این پرونده، متهم در زمانی که در اداره پلیس و در حال بازجویی بود، از معاضدت وکیل بهره‌مند نبود و با شکایت او به دادگاه اروپایی نقض این حق آشکار شد.^{۱۲}

کاربرد حق فوق برای اتباع بیگانه‌ای که قادر به تکلم به زبان رسمی کشور محل وقوع دادگاه نیستند، نیز ضروری است. زیرا در چنین شرایطی امکان دور شدن از فضای یک دادرسی منصفانه و نادیده گرفته شدن حقوق دفاعی متهم بیشتر محتمل است.^{۱۳} در این پرونده درخواست تبعه اسپانیا مبنی بر داشتن وکیل و مترجم رد شده بود. دادگاه معتقد بود این درخواست باید به زبان رسمی کشور پرتغال نوشته می‌شد. مجدداً درخواست داشتن وکیل از سوی متهم مطرح شد و این درخواست پذیرفته نشد. این بی‌تفاوتی دادگاه پرتغال زمینه را برای نقض یکی از حقوق دفاعی متهم فراهم کرد. در نتیجه دادگاه اروپایی شکایت این تبعه اسپانیا را مبنی بر فقدان یکی از عناصر دادرسی منصفانه پذیرفت.

برخی معتقدند که با توجه به دشواری پرونده و پیچیدگی‌های خاص آن باید قائل به

۱۱. شق ج بند ۳ ماده ۶ مقرر می‌دارد: «دفاع از خود شخصاً یا از طریق وکیل منتخب، یا در صورتی که توانایی پرداخت حق‌الوکاله را نداشته باشد، هرگاه مصالح عدالت ایجاب کند بدون پرداخت هزینه به وی معاضدت قضایی ارائه شود...»

12. Gule Can v. Turkey, 28 April 2009.

13. Daud v. Portugal, 21 April 1998.

وجود چنین حقی شد.^{۱۴} اما در جواب آنان باید گفت که کنوانسیون اروپایی، این حق را اجباری و مطلق می‌داند و آن را برای همه قضایای کیفری ضروری می‌داند. به عبارت دیگر باید اذعان داشت که نمی‌توان هیچ پیش شرطی را در مورد حق داشتن وکیل در نظر گرفت.

دادگاه اروپایی در پرونده‌ای که متهم به زور وادار شده بود تا گزارش را امضا کند و قید کند که از داشتن وکیل امتناع کرده است را ناقض شق ج بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون ندانست. از آنجا که معتقد بود هیچ دلیلی که این ادعا را ثابت کند، وجود ندارد.^{۱۵} بدین صورت که در قضایای کیفری یک طرف دعوا دادستان است که از امکاناتی برخوردار است و به نمایندگی از جامعه در مقابل متهم قرار می‌گیرد. او دارای تخصص و مهارت‌های لازم در این زمینه می‌باشد. در طرف مقابل، متهم قرار دارد که شهروند عادی جامعه محسوب شده و حتی ممکن است در بازداشت باشد و دسترسی به هیچ‌گونه امکاناتی نداشته باشد. حال اگر در چنین شرایطی متهم، وکیل نداشته باشد نمی‌توان به عادلانه بودن دادرسی امیدوار بود.

در شق ج بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی، متهم سه راه برای دفاع از خود دارد و او در انتخاب این راه‌ها آزاد است. دفاع از خود شخصاً، دفاع از خود از طریق وکیل انتخابی، در صورت عدم توانایی مالی برای پرداخت هزینه حق‌الوکاله، اگر مصلحت عدالت ایجاب کند حق برخورداری از معاضدت قضایی بدون پرداخت هزینه را خواهد داشت. به نظر می‌رسد که اعمال راه حل آخر به دست دادگاه باشد و این دادگاه است که این موضوع یعنی عدم توانایی مالی را ملاک برخورداری از معاضدت قضایی قرار می‌دهد. بنابراین از زمانی که متهم دستگیر و بازداشت می‌شود این حق باید برای او در نظر گرفته شود.

حال که متهم حق انتخاب وکیل را دارد، به نظر می‌رسد که دادگاه نباید برای او وکیل تعیین کند یا حیطه انتخاب او را محدود کند. به بیان دیگر انتخاب وکیل، حق متهم است. او می‌تواند هر کس را که می‌خواهد به وکالت برگزیند و دادگاه نمی‌تواند به بهانه عدم کفایت وکیل انتخابی، درخواست متهم را رد نماید.^{۱۶}

سوالی که مطرح است راجع به مصلحت عدالت است. گفته شده که فلسفه حق معاضدت حقوقی را می‌توان در شدت و سنگینی مجازات جست‌وجو کرد.^{۱۷}

14. Aerts v. Belgium, 3 July 1998.

15. Galstyan v. Armenia, 15 November 2007.

16. Pavlenko v. Russia, 1 April 2010.

در مواردی که متهم از حق معاضدت قضایی رایگان بهره‌مند بوده، می‌توان گفت که او از حق دفاع عملی و مؤثر بهره‌مند بوده است. اما این وضعیت همیشه وجود ندارد و مطلق نیست. از آنجا که دادگاه صرفاً به متهم کمک می‌کند و کسی را به عنوان وکیل به متهم پیشنهاد نمی‌کند. فقط برای اجرای عدالت، وکیل تسخیری معین می‌کند. در نتیجه صرف پیشنهاد یا انتصاب نمی‌تواند حق دفاع عملی و مؤثر را تضمین کند. زیرا ممکن است که وکیل تسخیری فوت کند، بیمار شود یا برای مدت زمان خاصی از وکالت محروم شود یا خودش از انجام وظایف محوله‌اش طفره رود. بنابراین در صورت بروز چنین وقایعی نمی‌توان مقامات دادگاه را مسؤول قلمداد کرد. مسؤولان دادگاه موظف هستند تا این قصور را به وکیل تسخیری گوشزد کنند یا او را وادار به انجام تعهداتش نمایند یا اینکه باید شخص دیگری را جانشین وکیل تسخیری نمایند.^{۱۸} در صورتی که متهم توانایی مالی برای اخذ وکیل داشته باشد و از انجام چنین کاری خودداری کند، آیا می‌توان گفت در صورت ایجاب مصلحت، دادگاه در چنین شرایطی می‌تواند وکیل تسخیری برای او تعیین کند؟ از آنجا که انتخاب وکیل یک حق است، پس متهم می‌تواند از آن صرف‌نظر کند. چون این حق، متعلق به اوست. اما محتمل است که دادگاه با مشکلاتی روبه‌رو شود مثلاً متهم با دادگاه همکاری نکند و بدین صورت امکان تشکیل یک دادگاه عادلانه با مشکل مواجه می‌شود. در مورد این ابهام هنوز راه حلی که مورد قبول همه نظام‌های حقوقی و محاکم بین‌المللی باشد، یافت نشده است.

گفته شده که برخی پیشنهاد تأسیس یک ارگان دفاع بین‌المللی، در صورت بروز چنین موقعیت‌هایی را مطرح کرده‌اند.^{۱۹}

مبحث سوم: حق برخورداری از خدمات رایگان مترجم

شق ۵ بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی به این بحث اختصاص یافته است.^{۲۰} این حق بر خلاف حق داشتن وکیل که مشروط بود، به صورت مطلق پیش‌بینی شده است. در استفاده از کمک مترجم، موقعیت مالی متهم نقشی ندارد و او از پرداخت هرگونه هزینه‌ای معاف می‌باشد. حق برخورداری از مترجم به حق مساعدت زبانی^{۲۱} نیز تعبیر شده است.^{۲۲}

18. Naula Mole and Catharina Harby, *The right to a fair trial*, Directorate General of Human rights Council of Europe, 2nd edition, August 2006, p. 63.

۱۹. مصطفی فضائلی، پیشین، ص ۳۸۰.

۲۰. شق ۵ بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون: «استفاده از خدمات رایگان مترجم، چنانچه زبانی را که در دادگاه استفاده می‌شود، نفهمد یا نتواند به آن زبان سخن بگوید.»

21. Linguistic assistance

22. Mireille Delmas-Marty and J.R. Spencer, *European Criminal Procedures*, Cambridge University

حق برخورداری از خدمات رایگان مترجم، متعلق به متهمی است که قادر به فهمیدن یا صحبت کردن به زبان رسمی دادگاه نمی‌باشد. همچنین افراد ناشنوا، برای برقراری ارتباط و مطلع شدن از روند محاکمه این حق را دارند که از کمک افراد متخصص با استفاده از شیوه‌های کلامی خودشان استفاده کنند.^{۲۳}

مشاهده شده است که حتی اگر رسیدگی غیابی صورت گیرد و در طی این محاکمه غیابی، شخص، متهم و در نهایت محکوم شود، باز این حق را باید برای او در نظر گرفت. در پرونده‌ای این قضیه به چشم می‌خورد: متهم که تبعه ایتالیا بود به دلیل اتهامی در دادگاه ایتالیا محاکمه و سپس محکوم می‌شود. او به دلیل اتهام دیگری در سال بعد در دادگاه فرانسه مورد محاکمه غیابی قرار می‌گیرد و نهایتاً به ۲۰ سال حبس محکوم شد. دادگاه اروپایی برای این متهم، نادیده گرفته شدن حق داشتن مترجم توسط دولت فرانسه را احراز نمود و نقض این حق را موجب خروج دادرسی از وصف عادلانه دانست.^{۲۴}

تعهد مقامات ذی‌صلاح صرفاً با انتصاب مترجم پایان نمی‌پذیرد؛ بلکه باید آن‌ها بر نحوه کار مترجم کنترل داشته باشند و کفایت و توانایی او را مورد بررسی قرار دهند. حتی می‌توانند وظایف و اختیارات مترجم را به او گوشزد کنند.

اگر تبعه بیگانه در کشوری مقیم باشد و این اقامت چندین سال طول کشیده باشد، به نظر دادگاه اروپایی، تعیین مترجم برای چنین متهمی ضروری نیست؛ زیرا اقامت او در طی این مدت موجب آشنایی و تسلط او بر زبان کشور دادگاه رسیدگی کننده شده است.^{۲۵}

اما دادگاه اروپایی قائل به اعمال چنین شیوه‌ای در تمامی قضایا نیست. در قضیه‌ای دیگر علی‌رغم اینکه متهم مانند آنچه در فوق گفته شد چندین سال در کشور بریتانیا سکونت داشت و تسلط او بر این زبان غیرقابل انکار بود، به دلیل اینکه وکیلش بدون مشورت با او به دادگاه اعلام کرده بود که برادرش توانایی ترجمه مدارک و روند دادگاه را دارد، از حق داشتن مترجم محروم شد و دادگاه اروپایی شکایت او را مبنی بر نقض شق ه بند ۳ ماده ۶ پذیرفت. البته مترجم وظیفه ندارد که تمامی اسناد و مدارک را ترجمه کند؛ فقط باید آن دسته از مدارک، اسناد و اظهاراتی را که در جریان دادرسی مفید به نظر می‌رسد و اطلاع متهم از آن‌ها ضروری است و از طرف دیگر در شکل‌گیری یک دادرسی منصفانه مؤثر است را ترجمه نماید.^{۲۶} در جرایمی که دارای مجازات شدید و سنگینی

Press, 2002, p. 559.

23. Naula Mole and Catharina Harby, *op. cit.*, p. 68.

24. Mariani v. France, 31 March 2005.

25. Lagerblom v. Sweden, 14 January 2003.

26. Mireille Delmas-Marty and J.R. Spencer, *op. cit.*, p. 560.

هستند، وجود یک مترجم برای متهم از ارزش بالایی برخوردار است. زیرا متهم به دلیل ناتوانی از درک اتهام‌های وارده و عدم توانایی در دفاع از خود، نمی‌تواند از تمام تضمین‌های یک دادرسی منصفانه بهره‌مند شود. به نظر می‌رسد که در این شرایط از میان تضمین‌های پیش‌بینی شده در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از همه مهم‌تر حق داشتن یک مترجم باشد. زیرا در سایه برخورداری از این حق است که شرایط برای تضمین سایر حقوق مندرج در ماده فوق فراهم می‌شود. نمونه این مدعا، دعوایی است که از طرف یک تبعه بلغاری علیه دولت ترکیه در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح شد و دادگاه با بررسی‌هایی که انجام داد، متوجه شد که در کنار سایر حقوق نقض شده متهم، حق داشتن مترجم هم نقض شده است. این نقض موجب شد تا متهم توسط دولت ترکیه محکوم به مجازات حبس ابد شود.^{۲۷} در خاتمه باید خاطر نشان کرد که در صورت براءت یا محکومیت متهم، اجبار او به پرداخت هزینه‌های مترجم نیز نوعی نقض محسوب می‌شود زیرا بنا به تصریح کنوانسیون این حق رایگان است. بنابراین حق مورد اشاره در تمامی مراحل دادرسی یعنی مرحله تحقیقات مقدماتی، دادرسی و صدور حکم و مرحله تجدیدنظر و با هر نتیجه‌ای که از این دادرسی‌ها حاصل شود، برای متهم قابل اجراست. کمیسیون اروپایی حقوق بشر معتقد بود که حق استفاده از ترجمه رایگان فقط به آنچه میان متهم و دادگاه می‌گذرد، مربوط می‌شود و شامل مذاکرات میان متهم و وکیل او نمی‌شود. همین‌طور اظهارات و مدافعات وکیل متهم هم، در این مقوله قرار نمی‌گیرد. اما برخی از محاکم بر این باورند که باید مذاکرات میان وکیل و متهم هم ترجمه شود. البته برخی از ملل معتقدند که چشم‌پوشی کردن از این حق در مرحله تجدید نظر، مجاز و پذیرفتنی است.^{۲۸}

مبحث چهارم: حق آگاهی فوری و دقیق از علت و ماهیت اتهام به زبانی که قابل درک باشد

این حق، خود مشتمل بر چندین بخش و چندین حق است که همگی در کنار هم فرصت ظهور پیدا می‌کنند. از آنجا که این حق از حقوق بنیادین متهم در یک دادرسی منصفانه است، در بسیاری از اسناد حقوق بشر جهانی و منطقه‌ای پیش‌بینی شده است. با مراجعه به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در می‌یابیم که این حق علاوه بر شق الف

27. Amer v. Turkey, 13 January 2009.

۲۸. جلیل امیدی، «حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای»، مجله دانشکده حقوق

بند ۳ ماده ۲۹۶، در بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون مزبور مورد اشاره قرار گرفته است.^{۳۰} در تفهیم اتهام باید مشخص شود که بر طبق چه قوانین و مستنداتی، شخص در مظان اتهام قرار گرفته است.

ماهیت و علت یک اتهام کیفری نه تنها به معنای توصیف حقوقی دقیق جرم است بلکه شامل وقایع مربوط به آن هم می‌شود. به نحوی که علاوه بر امکان اعتراض به قانونی بودن دستگیری، زمینه کافی را برای تدارک دفاع فراهم می‌سازد.^{۳۱}

با بررسی آراء دادگاه اروپایی حقوق بشر، مشخص شد که طبقه‌بندی جدید جرایم و توصیف جدید آن‌ها، می‌تواند از مصادیق نقض شق الف بند ۳ ماده ۶ در نظر گرفته شود.^{۳۲} در پرونده‌ای که دادگاه اروپایی به آن رسیدگی کرد، معلوم شد که توصیف مجدد جرم موجب شده تا علاوه بر عدم آگاهی دقیق متهم از دلایل و ماهیت اتهام خود، اتهام جدیدی هم علیه او وارد شود و همین‌طور از وقت کافی و تسهیلات لازم برای دفاع از خود محروم شود. در نتیجه دادگاه رأی به نقض این حقوق در دادرسی‌های قبلی داد.^{۳۳} نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که جرمی که شخص بدان محکوم می‌شود، باید همان جرمی باشد که فرد بدان متهم بوده است. به عبارت دیگر باید میان محکومیت و اتهام، هماهنگی وجود داشته باشد.

چنین موضوعی در رسیدگی مجدد به پرونده‌ای توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفت. در این قضیه آنچه که متهم در خاتمه دادرسی بدان محکوم شد، با آنچه که در ابتدا بدان متهم شده بود متفاوت بود.^{۳۴} در ارائه اطلاعات به متهم، دقیقاً باید زمان و مکان وقوع جرم ارتكابی مشخص شود.^{۳۵} دادن آگاهی و اطلاعات به متهم در مورد اتهامات، شیوه خاصی ندارد. دادگاه اروپایی حقوق بشر قائل به شیوه خاصی برای اطلاع‌رسانی نیست. حتی کتبی بودن ارائه اطلاعات به متهم را ضروری نمی‌داند.^{۳۶} البته فوریت اطلاع و آگاهی دادن به متهم در مورد اتهامات وارده را نباید فراموش کرد؛ چرا که در این صورت است که متهم، امکان دفاع کردن از خود را پیدا می‌کند. اطلاعات ضروری باید به زبانی که متهم قادر به درک آن است ارائه شود. بنابراین

۲۹. شق الف بند ۳ ماده ۶: «... اطلاع فوری و دقیق از ماهیت و علت اتهام علیه خود به زبانی که درک می‌کند.»
30. Mireille Delmas-Marty and J.R. Spencer, *op. cit.*, p. 554.

۳۱. مصطفی فضائلی، پیشین، ص ۴۲۲.

32. Drassich v. Italy, 11 December 2007.

33. Abramyan v. Russia, 9 October 2008.

34. Juha Nuutinen v. Finland, 24 April 2007.

35. Mottocia v. Italy, 25 July 2000.

۳۶. مصطفی فضائلی، پیشین، زیرنویس ص ۴۲۲.

برخورداری از یک مترجم که به صورت رایگان این اطلاعات را در اختیار متهم قرار دهد، در تسریع روند تحقیقات و همین‌طور دادرسی بسیار کمک کننده خواهد بود.

برخی از اسناد حقوق بشری، بهره‌مندی از خدمات رایگان یک مترجم را محدود به جلسه دادگاه کرده‌اند. به نظر می‌رسد که در این صورت تفهیم اتهام صرفاً در دادگاه صورت می‌گیرد و متهم تا زمان برگزاری جلسه دادگاه در بلاتکلیفی به سر می‌برد و چه بسا ممکن است بیگناه باشد اما در بازداشت باشد. بنابراین تضمینات مربوط به دادرسی منصفانه در چنین شرایطی به طور کامل اجرا نخواهد شد. اما چون مرحله تحقیقات مقدماتی مقدمه‌ای برای محاکمه و صدور حکم است، برای اینکه متهم به طور کامل از اتهام با خبر شود و قادر به دفاع از خود باشد، باید از مساعدت یک مترجم برخوردار شود.

رویه دادگاه اروپایی نشان می‌دهد که اطلاعات یا باید به زبان مادری متهم ارائه شود یا به زبان رسمی سازمان ملل متحد. در صورتی که اثبات شود متهم از آشنایی لازم به زبان رسمی دادگاه برخوردار بوده است، ضرورتی به ترجمه اطلاعات و ارائه آن‌ها به متهم نیست.^{۳۷}

مبحث پنجم: دارا بودن زمان و تسهیلات کافی برای تهیه دفاعیه

شق ب بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون این حق تصریح شده است.^{۳۸} لازمه برخوردارگی از زمان و تسهیلات کافی برای دفاعیه این است که متهم بتواند از اتهامات وارده مطلع شود. اگر متهم در بازداشت باشد، ارزش این حق هم دو چندان می‌شود. چرا که در صورت عدم آگاهی دادن به او نسبت به اتهامات ممکن است مهلت‌های بعدی او مثل مهلت تجدیدنظرخواهی انقضا یابد.^{۳۹}

در ارزیابی و سنجش مناسب بودن زمان داده شده برای دفاع باید به اوضاع و احوال قضیه و عواملی نظیر پیچیدگی پرونده و مرحله‌ای که در آن دادرسی در حال انجام است، توجه شود.^{۴۰} علاوه بر این عواملی مانند مصلحت عمومی و حساسیت جامعه بین‌المللی نسبت به اجرای عدالت باید مد نظر قرار گیرد.^{۴۱}

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که مهلت داده شده به متهم برای تهیه دفاعیه باید به گونه‌ای باشد که حق او برای محاکمه تسریع و بدون تأخیر در دادگاه زائل نشود.

37. Brozicek v. Italy, 19 December 1989.

۳۸. در مورد حق مذکور، کنوانسیون چنین بیان می‌دارد: «... داشتن زمان و تسهیلات کافی برای تهیه دفاعیه.»

39. Bauchert v. France, 24 July 2007.

40. Naula Mole and Catharina Harby, *op. cit.*, p. 60.

۴۱. مصطفی فضائلی، پیشین، ص ۴۳۱.

اما تسریع در محاکمه متهم در دادگاه نباید به نحوی باشد که از او فرصت دفاع گرفته شود. یعنی بعد از دستگیری و تفهیم اتهام به نظر می‌رسد که باید یک محدوده زمانی در نظر گرفته شود تا طی این مدت متهم بتواند با استفاده از کمک وکیل و در صورتی که نیاز باشد با کمک مترجم از خود دفاع نماید. البته دادن این فرصت باید همراه با ارائه خدمات و امکانات از سوی مقامات ذی‌ربط باشد. نمونه این مدعا نظری است که دادگاه اروپایی در مورد نقض حق متهم مبنی بر داشتن زمان و تسهیلات کافی برای تهیه دفاعیه بیان کرده است. چرا که دستگیری و بازداشت متهم و فرستادن او به دادگاه نمی‌تواند موجب صدور رأی منصفانه شود.^{۴۲}

لازم به ذکر است که مدت زمان مشخصی که بتوان آن را برای تدارک دفاع معقول دانست، وجود ندارد. زیرا در هر پرونده مدت زمان خاصی برای تهیه دفاع لازم است. در ماده ۶ دو واژه «تسهیلات» و «دفاع» به چشم می‌خورد. منظور از تسهیلات، سایر حقوق مندرج در این ماده می‌باشد، از قبیل حق برخورداری از وکیل انتخابی^{۴۳} و در صورت عدم توانایی مالی بهره‌مندی از معاضدت قضایی رایگان، حق برخورداری از مترجم، حق متهم به سوال کردن از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند و حق حضور شهود متهم و سوال از آنها. به نظر دادگاه اروپایی داشتن امکان برقراری ارتباط با دادستان و مطلع شدن از نظر او، یکی از تسهیلاتی است که به متهم امکان تهیه دفاع از خود را می‌دهد و جلوگیری از این دسترسی، نقض کنوانسیون تلقی می‌شود.^{۴۴}

بین دفاع شکلی و دفاع ماهوی نیز تفکیک وجود دارد. دفاع ماهوی به ماهیت دعوا و دلایل ارائه شده به وسیله دادستان مربوط می‌شود. دفاع شکلی به آیین دادرسی و عدم رعایت تشریفات آن مربوط می‌شود.^{۴۵}

مبحث ششم: حق آزادی تا زمان محاکمه

حق آزادی فردی یکی از اساسی‌ترین حقوقی است که باید هر کس از آن برخوردار باشد و نمی‌توان هیچ کس را از آن محروم کرد. تنها حکومت‌ها هستند که می‌توانند در شرایط معینی برخی از افراد را از این حق محروم کنند. در اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای به تضمین این حق بنیادین و جلوگیری از محروم کردن افراد جامعه از حق آزادی اشاره شده است. این اصل مورد قبول همه نظام‌های حقوقی است که متهم به جرم کیفری که هنوز

42. Gasparyan v. Armenia (no. 2), 16 July 2009.

43. Karapetyan v. Armenia, 27 October 2009.

44. Karabil v. Tyrkey, 16 June 2009.

محاکمه نشده است، نباید بازداشت شود. چنین اصلی از نتایج دو حق آزادی و فرضیه بیگناهی می‌باشد.

اما شرایطی هم وجود دارد که مطابق آن محدود کردن آزادی افراد یا به عبارتی بازداشت متهمان تا زمان محاکمه مجاز می‌باشد. در صورتی که چنین بازداشتی مطابق با قوانین و استانداردهای پذیرفته شده نباشد، اعتراض متهم نسبت به این بازداشت غیرقانونی، مفروض است.

شرایطی که مطابق آن بازداشت کردن متهم مجاز می‌باشد، به شرح زیر است:

۱- جلوگیری از فرار متهم ۲- ممانعت از ارتکاب مجدد جرم ۳- حاضر کردن متهم نزد مراجع صالحه ۴- جلوگیری کردن از نابودی آثار جرم و ادله.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برخوردار می‌باشد از حق آزادی و امنیت را به رسمیت شناخته و اعمال هرگونه محدودیت را در این باره ممنوع می‌داند. البته استثنائاتی را هم مورد پیش‌بینی قرار داده است.^{۴۶} شرایط بازداشت قانونی را می‌توان در قالب دو ملاک ماهوی و شکلی بیان کرد. ملاک‌های ماهوی در قسمت‌های مختلف بند ۱ ماده ۵

۴۶. ماده ۵ کنوانسیون چنین اشعار می‌دارد: ۱- هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در موارد ذیل و طبق آیینی که به موجب قانون مقرر شده است: الف) بازداشت قانونی شخص پس از محکومیت در دادگاه صالح؛ ب) دستگیری یا بازداشت قانونی شخص به علت عدم رعایت دستور قانونی دادگاه یا برای تأمین اجرای هر تعهدی که به موجب قانون مقرر شده باشد؛ ج) دستگیری یا بازداشت قانونی شخص جهت حاضر کردن او نزد مرجع صالح قانونی به دلیل سوء ظن موجه در ارتکاب جرم توسط وی یا هنگامی که دستگیری یا بازداشت جهت جلوگیری از ارتکاب جرم توسط وی یا متواری شدن وی پس از ارتکاب جرم و به جهت موجه ضروری به نظر برسد؛ د) بازداشت صغیر به موجب دستور قانونی به منظور نظارت آموزشی- پرورشی یا بازداشت قانونی به منظور حاضر کردن وی نزد مرجع صالح قانونی؛ ه) بازداشت قانونی اشخاص جهت جلوگیری از شیوع بیماری‌های عفونی یا بازداشت قانونی اشخاص مجنون، دائم الخمر، معتاد به مواد مخدر و یا ولگردان؛ و) دستگیری یا بازداشت قانونی شخص جهت جلوگیری از ورود غیر قانونی وی به کشور یا بازداشت اشخاصی که علیه آنان اقداماتی جهت اخراج یا استرداد در جریان است. ۲- هر کس که دستگیر می‌شود باید فوراً دلایل دستگیری و اتهام علیه او به زبانی که درک می‌کند به وی تفهیم شود. ۳- هر کس که طبق مقررات بند (ج) این ماده دستگیر یا بازداشت می‌شود، باید فوراً نزد قاضی یا مقامی برده شود که به موجب قانون مجاز به اعمال قدرت قضایی است و حق خواهد داشت که ظرف مدت معقولی محاکمه آزاد شود. آزادی ممکن است به دادن تضمین‌هایی برای حضور و جهت محاکمه مشروط شود. ۴- هر کس که با دستگیری یا بازداشت از آزادی خود محروم شده است حق خواهد داشت که دعوی اقامه کند که به موجب آن در مورد قانونی بودن بازداشت وی در دادگاه سریعاً اتخاذ تصمیم شود و در صورت غیر قانونی بودن بازداشت حکم آزادی وی صادر شود. ۵- هر کس که قربانی دستگیری یا بازداشت بر خلاف مفاد این ماده شده باشد، حق درخواست جبران خسارت را خواهد داشت.

کنوانسیون بیان شده‌اند. در واقع بر طبق این قسمت از ماده ۵ هر بازداشتی که صورت گیرد، قانونی و مجاز تلقی می‌شود. از آنجا که در این مقاله صرفاً حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی مورد بررسی قرار می‌گیرد، به نظر می‌رسد که شق «ج»، «د» و «و» بند ۱ ماده ۵ به این بحث ارتباط پیدا می‌کند.

با ملاحظه این مقررات، ملاک‌های زیر برای قانونی بودن بازداشت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی به دست می‌آید:

۱- وجود دلایل محکمه پسند و سوء ظن موجه نسبت به ارتکاب جرم توسط متهم
 ۲- جهات موجهی که بر مبنای آن‌ها دستگیری و بازداشت متهم ضروری است. از قبیل جلوگیری از ارتکاب جرم، ممانعت از متواری شدن او، حاضر کردن متهم نزد مراجع صلاح قانونی، و ...

دادگاه اروپایی بر این باور است که آیین قانونی بازداشت، مذکور در بند ۱ ماده ۵، همان قانون داخلی است که البته قوانین داخلی هم باید منطبق با اصول بیان شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باشد. کنوانسیون اروپایی هدف از بازداشت قانونی متهم در تمام موقعیت‌ها را صرفاً حاضر کردن متهم نزد مراجع صالحه دادرسی دانسته و زمانی بازداشت فرد را معقول می‌داند که احتمال قوی برای ارتکاب جرم توسط آن فرد وجود داشته باشد.^{۴۷}

ملاک‌های شکلی بازداشت قانونی را می‌توان در نحوه دستگیری متهم پیدا کرد. ولی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در این مقوله توضیحی را ارائه نداده است. به نظر می‌رسد که این موضوع به نظام‌های ملی کشورها ارجاع شده است. چون معمولاً متهم توسط مقامات دولتی دستگیر می‌شود و شرایط شکلی دستگیری و بازداشت، در قوانین داخلی کشورها وضع شده است.

اگر استمرار بازداشت متهم تا قبل از حاکمه، ضرورت داشته باشد، برای رعایت منافع عمومی جامعه این بازداشت می‌تواند قابل قبول باشد. همچنین دادگاه باید تحقیقات جدیدی را برای توجیه اوضاع و احوالی که سبب تمدید دوره بازداشت شده است، انجام دهد. در غیراین صورت مرتکب نقض حق آزادی متهم خواهد شد.^{۴۸}

در صورتی که قانونی بودن بازداشت متهم احراز شد، باید او از دلایل دستگیری و بازداشت خود مطلع گردد (بند ۲ ماده ۵).

بر طبق نص صریح کنوانسیون، این کار باید به «فوریت» انجام شود. البته سایر اسناد

47. Fox, Campbell and Hartley v. The United Kingdom, 30 August 1990.

48. Bergmann v. Estonia, 29 May 2008.

بین‌المللی زمان اطلاع‌رسانی از دلایل دستگیری را همزمان با آن می‌دانند.^{۴۹} به علاوه در زمان دستگیری باید جهات آن و وقتی که متهم بازداشت شد، باید عللی که به موجب آن، بازداشت شده است به آگاهی‌اش رسانده شود. پس از آنکه متهم از موجبات دستگیری خود آگاهی یافت، در صورتی که آن را غیرقانونی بداند باید این حق را به او داد تا بتواند نسبت به این بازداشت نزد مراجع قانونی اعتراض کند و در صورتی که در پی آن، متحمل خسارتی شده باشد، بتواند خسارت وارده را مطالبه نماید.

در هر حال مقامات ذی‌ربط موظفاند با متهم در زمان بازداشت رفتار انسانی داشته باشند و از اعمال هرگونه اجبار، فشار، تهدید و شکنجه و رفتار توهین‌آمیز نسبت به او خودداری کنند. به بیان دیگر باید حقوق انسانی متهم در زمان بازداشت تضمین گردد. در صورتی که متهم معتقد به غیرقانونی بودن بازداشت خود باشد، بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون حق اعتراض به آن را برای متهم به رسمیت شناخته است.

بر طبق کنوانسیون اروپایی در صورت وجود دلایل محکمه‌پسند مبنی بر دستگیری و بازداشت متهم، او بعد از بازداشت باید فوراً نزد مراجع قضایی حاضر شود و ظرف مدت معقولی محاکمه گردد. در صورتی که شرایط آزادی مشروط برای متهم وجود داشته باشد، او می‌تواند تا زمان محاکمه آزاد شود.

به نظر می‌رسد که کنوانسیون اروپایی این حق را به صورت مضیق مورد شناسایی قرار داده است. زیرا صرفاً افرادی که حق آزادی‌شان به موجب بند ج نادیده گرفته شده است حق اعتراض نسبت به این نقض را دارا هستند. روش‌ها و آیین‌های دادرسی نسبت به اعتراض به این قبیل بازداشت‌ها توسط حکومت‌ها باید تعیین شود و در این باره قوانین داخلی حکمفرما خواهد بود. اگر بازداشت فرد غیرقانونی ارزیابی شود، باید به سرعت و بدون تأخیر موجبات آزادی او فراهم شود.

زمانی که متهم نسبت به غیرقانونی بودن بازداشت اعتراض می‌کند، دادگاه آنچه را که بررسی می‌کند، قانونی بودن بازداشت یا قابل تجدیدنظر بودن آن است.^{۵۰} در نتیجه مرجع تشخیص غیرقانونی بودن بازداشت، دادگاه است.

هدف از تجدیدنظرخواهی نسبت به بازداشت غیرقانونی، بررسی انطباق بازداشت با آیین‌های دادرسی قانون داخلی است؛ زیرا دلایل بازداشت، صرفاً در قوانین داخلی بیان شده‌اند. (انطباق شکلی و ماهوی) در نهایت، کنوانسیون اروپایی این حق را به متهم داده تا

۴۹. بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

در صورت تشخیص غیرقانونی بودن بازداشت بتواند درخواست جبران خسارت نماید.^{۵۱} در بررسی‌های انجام شده آنچه که بیشتر مشهود است، اعتراض متهمان نسبت به طولانی بودن دوره بازداشت و بلا تکلیفی آنان است؛^{۵۲} زیرا معمولاً در زمانی که آن‌ها در بازداشت به سر می‌برند، جهات تمدید دوره بازداشت به آن‌ها اطلاع داده نمی‌شود^{۵۳} و از طرف دیگر هم تقاضای آن‌ها مبنی بر آزادی به قید ضمانت رد می‌شود.

در صورتی که بازداشت متهم، موجه و قانونی باشد، باید به اتهام او به سرعت در یک دادگاه صلاحیتدار رسیدگی شود. در واقع یکی از موجبات اعتراض متهمان طولانی شدن دوره بازداشت‌شان و انتظار زیادشان برای محاکمه شدن است.^{۵۴}

برای اینکه یک بازداشت قانونی قلمداد شود باید واجد شرایط زیر باشد:

- ۱- اطلاع یافتن متهم از دلایل دستگیری خود؛
- ۲- انطباق بازداشت متهم با موازین قانونی؛
- ۳- انطباق جهات تمدید بازداشت با موازین قانونی و انجام تحقیقات جدید؛
- ۴- آگاهی یافتن متهم از دلایل تمدید بازداشت؛
- ۵- دارا بودن متهم از حق اعتراض نسبت به بازداشت؛ و
- ۶- محاکمه فوری نزد مقامات صلاحیتدار.

نتیجه

از نشانه‌های یک جامعه متمدن، وجود ضوابط حقوق بشری و آزادی‌های اساسی است. عدالت در تمامی امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فلسفی یافت می‌شود؛ اما در رسیدگی‌های قضایی و به عبارتی در زمینه‌های حقوقی، حضور پررنگ‌تری دارد. حقوق ناظر بر دادرسی منصفانه و اعمال آن‌ها، ملاک ثابتی ندارد؛ زیرا شرایط و مقتضیات، نوع اتهام و شدت جرم و مجازات در پرونده‌ها متفاوت است. لذا باید در چنین شرایطی از ملاک نوعی بهره برد. از این رو، دادگاه موظف است هر قضیه را مطابق با شرایط خودش سنجیده و حقوق مزبور را در آن اعمال نماید.

اقدامات مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی باید به سرعت انجام شود. مقامات تحقیق کننده در جمع‌آوری دلایل وقوع جرم و مستندات، نباید تأخیر کنند. سرعت و دقت دو عامل سرنوشت‌ساز در مرحله تحقیقات مقدماتی محسوب می‌شوند. چرا که منجر به کسب

51. Degeratu v. Romania, 6 July 2010.

52. Jarkiewicz v. Poland, 6 July 2010.

53. Dermanovic v. Serbia, 23 February 2010.

54. Nicut Tanasescu v. Romania, 6 July 2010.

نتیجه مطلوب خواهند شد.

حقوق مربوط به این مرحله، مقدمه‌ای برای اعمال سایر حقوق مندرج در کنوانسیون، در مرحله دادرسی و صدور حکم است؛ تا جایی که می‌توان ادعا کرد که در پرتو برخورداری از این حقوق است که حکم به براءت یا حکم به محکومیت متهم صادر می‌شود.

فهرست منابع

کتاب و مقالات

امیدی، جلیل، حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین‌المللی منطقه‌ای، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۹.

فضائلی، مصطفی، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷.

قاری‌سیدفاطمی، سیدمحمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم جستارهایی تحلیلی از حقوق و آزادی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۶.

Delmac- Marty, Mireielle and J.R. Spencer, European criminal procedures, Cambridge university press, 2002.

Mole, Nuala & Catharina Harby, The Right to Fair Trial, Directorate General of Human Rights Council of Europe, Human Rights handbook, 2nd Ed., No. 3, August 2006.

آراء صادرشده توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر

- 1- Abramyan v. Russia, 9 October 2008.
- 2- Aerts v. Belgium, 3 July 1998.
- 3- Amer v. Turkey, 13 January 2009.
- 4- Bauchert v. France, 24 July 2007.
- 5- Bergmann v. Estonia, 29 May 2008.
- 6- Brozicek v. Italy, 19 December 1989.
- 7- Constantin & Staian v. Romania, 29 September 2010.
- 8- Daud v. Portugal, 21 April 1998.
- 9- Degerata v. Romania, 6 July 2010.
- 10- Dermanovic v. Serbia, 23 February 2010.
- 11- Diamantides v. Greece (no.2) 19 May 2005.
- 12- Drassich v. Italy, 11 December 2007.
- 13- Fox, Compbell and Hartley v. the United Kingdom, 30 August 1990.
- 14- Galstyan v. Armenia, 15 November 2007.
- 15- Gaspryan v. Armenia (no.2) 16 July 2009.
- 16- Gule can v. Turkey, 28 April 2009.
- 17- Jarkiewics v. Poland, 6 July 2010.
- 18- Juha Nuutinen v. Finland, 24 April 2007.
- 19- Karabil v. Turkey, 16 June 2009.
- 20- Karapetyan v. Armenia, 27 October 2009.
- 21- Lagerblom v. Sweden, 14 January 2003.
- 22- Mariani v. France, 31 March 2005.
- 23- Mottocia v. Italy, 25 July 2000.
- 24- Murray v. the United Kingdom, 8 February 1996.
- 25- Navarra v. France, 23 November 1993.
- 26- Nicu Tanasescu v. Romania, 6 July 2010.
- 27- Pavlenka v. Russia, 1 April 2010.
- 28- Samoila & Cionca v. Romania, 4 March 2008.
- 29- Worman v. Austria, 29 August 1997.

Right of Fair Trial in pre-Trial Investigation in ECHR Practice

Nafisseh Bahrami

With the legislation of the European Convention on Human Rights and fundamental Freedoms in 1950 and with the examination of the judgments made by the European court of Human Rights, dealt with in this Essay, the basic role of such rights in the introductory phase of pre-trial investigation is well proved. The Principle of Innocence has a close relationship with the Principle of Autonomy and Impartiality, the violation of each of these principles, shall result in the violation of the other ones. On the other hand, if the suspect is entitled to freely contact their attorney, due preparation for the Defense Bill shall be made feasible. The right to enjoy language assistance or having a translator, is the third right, which results in a fair trial, even in contumacy proceedings. Moreover, the right to be immediately and carefully informed of the reason and nature of the charge in an understandable language is one the other requirements of a fair trial. It is mentionable that the duration necessary for the provision of defense preparations may be different in each case. The right of liberty of the suspect during the court procedure is another right, which is deemed to be an absolute right within the Convention and the application of any limitations on it shall be unacceptable. As a result, it may be claimed that the rights related to fair trial are respected in the phase of pre-trial investigation; a fair trial may be expected.

Keywords: Human Rights, Fair Trial, Pre-Trial Investigation, ECHR, European Convention on Human Rights and Fundamental Freedoms

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. XI, No. 1

2012-1

- Compulsory Licenses for Intellectual Property: Challenges among Developing and Developed Countries
Mahmood Bagheri & Simin Abbasi
- Survey and Analyze of the Legal Language in Iran in light of Modern Scientific Languages
Hossein Simaee Sarraf & Hamed Malekshahi
- Unjust Enrichment in Iranian Law in light of UN Convention against Corruption
Seyed Mansoor Mirsaedi & Hojjat Najarzadeh Ahari
- New Achievements of England Arbitration Act 1996 in compare with Iranian International Trade Arbitration Act
Hamid Reza Alikhani & Saeid Abasi
- Right of Fair Trial in Pre-Trial Investigation in ECHR Practice
Nafisseh Bahrami
- Moving towards Lawmaking and Contemporary Approach: Jurisprudence in the Context of ICJ
Amir Arsalan Rasoolpour & Abdollah Abedini
- Executive Regulations of Fines in Penal Laws of Iran and England
Maryam Hemmati
- Reflections on *Radovan Karadzic* Case: Butcher of Balkan
Heybatoolah Nazhandi Manesh

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study